

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۸ اکتوبر ۲۰۰۹

شکوه

(۷) در افغانستان :

{ ه }

ساز و هم آواز ، حرامش کنید
خواند ، کسی ، قطع زبانش کنید
ترکِ امور است ، به پیر و جوان
وقتِ نماز ، جمله به مسجد ، دوان
وای عجب ، منطق و برهان نگر
باز کن و صفحه قرآن نگر
حکمِ نوی بر همه ، بی بند و بست
یک یکی بُت های وطن را شکست
تا نشوند بارِ دگر مردمان
سوی پرستیدن بت ها روان
وای عجب ، منطق و برهان نگر
چشم گشا ، آیه قرآن نگر

آنچه که آثارِ قدیمی بود
آهکی و چوبی و سنگی بود
یا ز طلا ، نقره و خاکی بود
آهنی و هرچه برنجی بود
وای عجب ، منطق و برهان نگر
حکم چنین صادر و ، فرمان نگر
جمله آثارِ وطن را خراب
آنچه که آب است ، کنیذش سراب
تا که بیایند همه اعرابِ ما
مسجد و هم مدرسه ، اخراب ما
وای عجب ، قانونِ افغان نگر
جمله خراب کردن و سازان نگر
رسمی و جسمی ، همه شد ناپدید
اخگرِ فرهنگِ وطن ، کس ندید
محوِ پرستیدنِ اصنام کرد
پیروی ، قانونِ اسلام کرد
وای عجب ، منطق و برهان نگر
قانونی بر عالمِ انسان نگر
ترک ازین عالمِ ناسوت شد
جلبِ توجه به ملکوت شد
تا سفری سوی جبروت شد
لایق و شایسته لاهوت شد
وای عجب ، اینهمه طیران نگر
وز پرشش ، عالمی حیران نگر

XXXXXXXXXXXX

شکوه

(۷) در افغانستان :

{ و }

ختنه بیاید همه اهل هنود
یا که شود گردن شان، قطع ، زود
از سن ده ، تا سن هفتاد تام
هرچه هزاره ست ، شود قتل عام
وای عجب ، منطق و برهان نگر
قانونی بر عالم انسان نگر

بقیه دارد